

کاغذین جامه

آیین نگارش لایحه قضایی

حسن جعفری تبار (دانشیار دانشگاه تهران)

کتابنامه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنر: بابک رسام

حروفچین: صفحه آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صفحه‌آرایی: رنو

نوبت چاپ: یک ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۴-۹۹۴۰-۷۶-۲

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک معالاتی - ز ۲ - خابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaseh@gmail.com

سرشناسه	: جعفری تبار، حسن، ۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: کاغذین جامه: آیین نگارش لایحه قضایی / حسن جعفری تبار.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: 978-964-9940-76-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: آیین نگارش لایحه قضایی.
موضوع	: حقوق - نویسندگی.
موضوع	: Legal Composition
موضوع	: نگارش علمی و فنی.
موضوع	: Technical Writing
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۷۳ ۷۳ ج / ۱۷۱۰ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۷ / ۵۵۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۳۱۱۰۵

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	گفتار نخست: نگارش زیبا و درست
۱۳	ایجاز لایحه
۱۵	موازنه
۱۷	جریان یکپارچه کلام
۱۸	روانی لایحه
۲۰	انتقاد از تجویز آیین نگارش
۲۳	بلاغت و صنایع ادبی
۲۷	گفتار دوم: مقدمات لایحه
۲۷	با پرونده زندگی کنید
۳۰	چرا باید نگران باشم
۳۱	ساده کنید
۳۴	پاسخ به شش پرسش
۳۷	گفتار سوم: خطاب و عنوان لایحه
۳۷	خطاب لایحه
۳۸	خطاب به مقام، نه شخص

- ۴۰ یک یا چند مخاطب
- ۴۰ احترام در لایحه
- ۴۱ عنوان لایحه
- ۴۳ لایحه اولیه
- ۴۴ لایحه جوابیه، لایحه تکمیلی
- ۴۴ لوایح متعدد
- ۴۵ اولین و آخرین لایحه
- ۴۷ گفتار چه ارم: قصه قضیه
- ۴۷ تقسیم مطالب لایحه
- ۵۳ تفکیک طالب لایحه
- ۵۴ ارائه نظر نیز قاضی
- ۵۵ قصه قضیه: امر موضوعی
- ۵۸ قصه قضیه: امر حکمی
- ۵۸ قصه قضیه: خلاصه ادعای کیل
- ۶۱ گفتار پنجم: نقد ادعاهای طرف
- ۶۱ انصاف در نقد
- ۶۳ تشخیص و مداوا
- ۶۵ فن فرق ژرف: تردید در تشابه حالات
- ۶۶ فن یکسره: تردید در حاکمیت قانون
- ۶۷ فن لا اُسْلَم: تردید در وسعت قانون
- ۶۸ فن معمای اقتدار: تردید در دوام قانون
- ۶۹ فن سَلْمنا: اشاره به بدیل استدلال خود
- ۷۱ فن ملتزم باش: جدل و استفاده از استدلال طرف
- ۷۲ دفع دخل مقدر: به نفع حریف استدلال کنید
- ۷۳ گفتار هشتم: توجیه ادعا برای قاضی
- ۷۳ حقایقی را که علیه شماست نگفته نگذارید
- ۷۴ استناد به قوانین

۷۵	استناد به رویه.....
۷۶	استناد به دکترین.....
۷۷	سیبی که از وسط دو نصف شده.....
۷۷	اماره‌های قضایی.....
۷۹	نقد کارشناسی.....
۸۰	استدلال به شهادت.....
۸۱	اثبات امور عرفی.....
۸۱	مسبب زرها.....
۸۳	استناد به حقوق خارجی.....
۸۴	باز اثبات.....
۸۶	ضرورت بیان استدلال در جدید.....
۹۰	استدلال، خطابه و فناع.....
۹۱	فن سازبی قانون.....
۹۱	فن آستان پناه.....
۹۲	فن شعر تر.....
۹۳	فن جان پاک.....
۹۳	فن شرط مروت.....
۹۴	فن انسانم آرزوست.....
۹۵	فن عقل و کفایت.....
۹۷	گفتار هفتم: پایان لایحه.....
۹۹	پرسش بلاغی.....
۱۰۲	امضای لایحه.....
۱۰۳	گفتار هشتم: جذبه دیداری لایحه.....
۱۰۳	کاغذ و قلم.....
۱۰۴	سفیدی‌های کاغذ.....
۱۰۵	سیاهی‌های کاغذ.....
۱۰۶	نوع قلم.....
۱۰۶	جدول.....

۱۰۷	نقطه فشنگی
۱۰۷	علامت‌های سجاوندی
۱۰۸	نقطه و ویرگول
۱۰۸	نقطه ویرگول
۱۰۹	علامت پرسش
۱۰۹	علامت تعجب
۱۰۹	پرانتز
۱۱۱	علامت تساوی
۱۱۱	دو نقطه
۱۱۲	سیومه
۱۱۲	پاورقی

گفتار نهم: نمونه یک: ایمة قضای

۱۱۵	۱. قصه قضیه
۱۱۶	۲. نقد قطعیت حکم حجر
۱۱۸	۳. اسقاط حق تجدید نظر خوم
۱۱۹	۴. درخواست حجر پس از فوت
۱۲۰	۵. معامله مجنون ادواری
۱۲۱	۶. اصل صحت در معامله مجنون ادواری
۱۲۲	۷. ضرورت اثبات بطلان معامله مجنون ادواری
۱۲۳	۸. اثبات افاقه مجنون ادواری با اماره
۱۲۳	۹. اماره شروع تملک مجنون ادواری در زمان حجر
۱۲۳	۱۰. اماره رسمی بودن معامله
۱۲۴	۱۱. اماره طولانی بودن جریان وکالت و خرید و فروش و همسانی امضاها
۱۲۴	۱۲. اثبات افاقه با قضاوت عرف و اماره‌های قضایی
۱۲۵	۱۳. اماره دعوای قیّم بر مولی علیه
۱۲۶	۱۴. اماره افاقه در رأی دادگاه کیفری
۱۲۶	۱۵. اعتبار اعتماد شهروندان بر وضع ظاهری
۱۲۷	۱۶. اگر مجنون ادواری در حال افاقه بخواهد معامله کند باید چه کند؟

مقدمه

وقتی ارسطو در باب فی بیان (= خطابه = ریطوریکا) سخن می‌گفت بی‌گمان یکی از منظورهای مهمش مهارت سخنرانی و کلا در حضور قضات بود. گویی در نظر او سخنرانی نزد دادرسی از نامه‌نویسی به‌ویژه پراهمیت است، و وکلا باید بیاموزند که چگونه نزد قاضی حضوراً و شفاهاً از موکل خود دفاع کنند. تدریج دفاع وکلا از شکل شفاهی به شکل کتبی تغییر شکل داد، همان‌طور که نزد زاک دیدیم منافیزیک حضور (= سخن در حضور مخاطب) باید به منافیزیک غیاب (= نوشتن رای مخاطبی که غایب است) مبدل می‌شد. زمانی بود که محاکمه اشخاص بدون حضور آنها به معنی بود و حتی اگر اشخاص برای دیوان مظالم عریضه می‌نوشتند آن را فقط به آنجا نمی‌فرستادند بلکه طومار کاغذی این عریضه را مثل لباس به تن می‌کردند و خودشان هم در محضر قاضی حاضر می‌شدند. گویی دادخواه تمام وجود خود را در عریضه دادخواهی خود می‌گذاشت، آن را به دادگاه تقدیم می‌کرد؛ چنان‌که حافظ می‌گوید:

کاغذین جامه به خوناب بشویم که فلک رهنمونیم به پای علم نکرده

اما پس از آن، محاکمه‌های غیر حضوری رایج شد، و دو طرف آنچه را می‌خواستند شفاهاً به قاضی بگویند در دادخواستی می‌نوشتند و آن را به او می‌دادند. همین امروز مهمترین دادرسی‌ها در دادگاه تجدیدنظر اتفاق می‌افتد، و اتفاقاً این دادرسی غالباً در غیاب دو طرف دعوا انجام می‌شود؛ دو طرف دعوا فقط به دادگاه لایحه می‌دهند و قاضی استیناف شاید روی آنها را تا پایان دادرسی هم نبیند. گویی حضور فقط به معنی حضور فیزیکی و شفاهی نیست، و شهروندان می‌توانند به جای آن، حضور کتبی در محاکمه داشته باشند.

بی گمان دفاع حضوری و شفاهی و خطابه‌های آتشین بسیار مؤثر است، اما دفاع کتبی هم برای خود مزایایی دارد. برای مثال، قاضی در دفاع کتبی بیشتر می‌تواند برای خواندن لایحه وقت بگذارد، و وکیل هم می‌تواند نکات خود را در فرصتی بیشتر تنظیم و تبویب کند و درباره آنها سنجیده‌تر سخن بگوید. امروز اگر وکیلی بسیار محبوب و خجالتی هم باشد نباید از شغل وکالت ناامید شود، زیرا او اگر روی گفتن چیزی را ندارد به راحتی می‌تواند آن را با کمال آرامش بنویسد، و هرگز مغلوب گستاخی و دریدگی طرف خود نشود. جالب است که قضات هم که رأی خود را پیش از این به شکل شفاهی اعلام می‌کردند، اکنون آن را در قالب دادنامه و به صورت مکتوب صادر می‌کنند، و برای نگارش آن وقت بیشتری می‌گذارند.

هدف از کتاب بیان آیین نگارش لایحه قضایی است البته آن چنان‌که اولاً به نظر من درست می‌آید، و ثانیاً در ابواب وکلای برجسته کاملاً نیز رعایت می‌شود. برای روشن شدن هر اصلی که برای این آیین نگارش بیان می‌کنم غالباً به بخش‌هایی از چند نمونه از لوائح خودم که در طول دوران وکالت نوشته‌ام استناد کرده‌ام. همچنین باید بگویم اگرچه غایت این کتاب، تعلیم آیین درست نگارش لوائح قضایی است که وکلا می‌نگارند، در برخی بخش‌ها می‌تواند یاریگر قضات نیز در نگارش یک رأی صحیح قضایی باشد.

می‌دانم بسیاری خواهند پرسید: چرا باید اصول آیین درست و زیبا و مؤثر نوشتن تمرین کرد؟ مگر وکیلی که بد می‌نویسد لزوماً در دعاویش شکست می‌خورد، و یا به عکس، مگر وکیلی که خوب می‌نویسد همیشه پیروز میدان می‌شود تا آنجا که بخواهیم خوب بنویسیم؟ مگر من و تو کم دیده‌ایم وکلایی را که نه خطی داشته‌اند و نه ربط، ولی در غالب دعاویشان پیروز شده‌اند، و اتفاقاً بدجوری هم پیروز شده‌اند؟ اصلاً یک خط ما وکلا هستیم که زشت و بد می‌نویسیم؟ مگر مخاطب ما وکلا قضاتی نیستند که گاه گوی سبقت را در بد نوشتن از وکلا هم ربوده‌اند، و دست آنان را در پریشان نویسی از پشت بسته‌اند؟ نکند داستان اتفاقاً از این قرار باشد که چون این دو با دیدن هم، یکدیگر را بهتر درک می‌کنند، حرف یکدیگر را هم بهتر بفهمند و زودتر به تفاهم برسند؟ پس این همه کوشش و جوشش بیهوده برای چیست؟ این گروه منتقد با دلخوری خواهند گفت: درست است که بر مبنای گفته سعدی:

هنرمند هر جا زود (باید) قدر بیند و بر صدر نشیند

اما حتی خود سعدی هم خوب می دانسته که رسم دنیا از قدیم بر آن بوده که کمتر قدر شناس و صدر نشان هنرمندان باشد و به همین خاطر هم می گوید:

کیمیاگر به غصه مُرده ورنج ابله اندر خرابه یافته گنج

و حافظ هم به تبع او به خوبی جانِ کلام را در این باره گفته که:

فلک... مَرُومِ نادان دهد زمامِ مراد تو اهل دانش و فضلی؛ همین گناهت بس

من در این سخن به این نقد بدبینانه و در عین حال دردمندانه به اصل این انتقاد درباره وکلا بر می گزیم و می نویسیم: حتی اگر این تفأل (= فال خوب و باشگون) یا تشأم (= فال بد) هم درست باشد، بپذیریم که غالباً دنیای حقوق به کام وکلای بد خط و بد ربط است، اما از این عادت روزگار نباید بجای گرفت که خوش خطان و خوش ربطان از میان وکلا همیشه در دعاویشان محکوم می شوند. بسیاری از وکلا از درست نویسی خود بهره بُرده اند، و میوه فضل و هنر خود را هم چیده اند. وانگهی، در ایام وکالت و قضاوت حتی اگر به همین سیاهی و جفاکاری هم باشد، نمی توان انکار کرد که بسیاری از ما هنوز در درون خود دوست داریم خوب بنویسیم و خوب استدلال کنیم حتی اگر پیروز میدان نباشیم. هنوز واقعاً گماند کسانی که با دیدن خط زیبا و ربط رسا از آن مترجرح شوند، در دل خود آرزو نکنند که ای کاش آنان هم همین قدر خوب می نوشتند. این کتاب دقیقاً برای ترغیب به آن گونه نوشتنی است که بسیاری در درون خود دوست دارند آن طور بنویسند، حتی اگر از بد نوشتن خیر فراوان دیده باشند، و نیز برای آنان که نفس این گونه بودن را ارزشمند می دانند، حتی اگر بهره آن را کمتر بُرده باشند؛ کسانی که این معنویت را با هیچ مادیستی عوض نمی کنند. عشق می ورزم و امید که این فنّ شریف چون هنرهای دیگر موجب چرخش نشود